



مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد

دکتر محمدجواد توکلی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۳۹۸

توکلی، محمدجواد، ۱۳۵۱-
مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد / محمدجواد توکلی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.
دوازده، ۳۴۸ص: جدول، نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۱۱: اقتصاد؛ ۳۸)
ISBN: 978-600-298-292-6
بها: ۴۰۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه، ص. [۳۲۹-۳۴۴]: همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. اقتصاد -- فلسفه. ۲. Economics -- Philosophy. ۳. اقتصاد -- روش‌شناسی. ۴. Economics -- Methodology.
الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
HB۷۲
۳۳۰/۰۱
شماره کتابشناسی ملی
۵۹۰۹۳۳۸



مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد

مؤلف: دکتر محمدجواد توکلی (عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره))

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۸

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات)

۳۷۱۸۵-۳۱۵۱، ص.ب. ۳۲۸۰۳۰۹۰، شماره: ۳۲۱۱۱۳۰۰

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی «ره»، بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۱۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان متن آموزشی درس «مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصادی» برای دانشجویان رشته اقتصاد در مقطع کارشناسی قابل استفاده است. البته دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری اقتصاد و همچنین دانشجویان دکتری فلسفه اقتصاد اسلامی نیز می‌توانند از این اثر بهره‌مند شوند. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، محمد جواد توکلی و نیز از تلاش‌های ارزیاب محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین حسن آقا نظری، سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

مقدمه مجری ۱

فصل ۱: چیستی و کارکرد مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد

۱. مقدمه.....	۵
۲. مفاهیم.....	۶
الف. مفهوم مبانی.....	۷
ب. مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد.....	۸
ج. مبانی هستی‌شناختی اقتصاد.....	۸
د. مبانی ارزش‌شناختی اقتصاد.....	۹
ه. روش‌شناسی اقتصاد.....	۹
و. تمایز مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد.....	۱۰
۳. کارکردهای سه‌گانه مبانی فلسفی اقتصاد.....	۱۳
الف. کارکرد زمینه‌سازی.....	۱۳
ب. کارکرد تولیدی.....	۱۳
ج. کارکرد جهت‌دهندگی.....	۱۴
۴. مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی.....	۱۷
۵. نتیجه‌گیری.....	۱۷
پرسش‌های فصل.....	۱۹
منابعی برای مطالعه بیشتر.....	۱۹

فصل ۲: مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد

۲۱	۱. مقدمه.....
۲۲	۲. چیستی و زمینه‌های بحث از مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد.....
۲۴	۳. تأثیرپذیری دانش اقتصاد از مکاتب معرفت‌شناختی.....
۲۶	۴. ماهیت و قلمرو دانش اقتصاد.....
۲۶	الف. ماهیت دانش اقتصاد؛ از تدبیر منزل تا دانش انتخاب.....
۲۷	ب. قلمرو دانش اقتصاد.....
۲۸	۵. ابزار و منابع شناخت در اقتصاد.....
۳۰	۶. تفکیک اقتصاد اثباتی و هنجاری.....
۳۱	الف. اشکالات تمایز اقتصاد اثباتی و هنجاری.....
۳۳	ب. تمایز اقتصاد اثباتی، هنجاری و کاربردی.....
۳۴	ج. رابطه نظریه اقتصادی و ارزش.....
۳۷	۷. ماهیت قوانین اقتصادی.....
۳۷	۸. شرایط عینی و ذهنی تحقق شناخت اقتصادی.....
۴۰	۹. ملاک اعتبار نظریات اقتصادی.....
۴۰	الف. رابطه نظریات اقتصادی و واقعیت (صدق).....
۴۴	ب. ملاک موجه‌بودن معرفت اقتصادی.....
۴۵	۱۰. نتیجه‌گیری.....
۴۷	پرسش‌های فصل.....
۴۸	منابعی برای مطالعه بیشتر.....

فصل ۳: مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد اسلامی

۴۹	۱. مقدمه.....
۵۰	۲. چیستی و زمینه‌های بحث از مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد اسلامی.....
۵۱	۳. ماهیت و قلمرو اقتصاد اسلامی.....
۵۲	الف. تعریف اقتصاد اسلامی.....
۵۵	ب. قلمرو مطالعات اقتصاد اسلامی.....
۵۶	۴. تفکیک مکتب، نظام و علم اقتصاد اسلامی.....
۵۷	الف. مکتب اقتصاد اسلامی.....
۵۹	ب. علم اقتصاد اسلامی.....
۶۰	ج. نظام اقتصادی اسلام.....
۶۳	د. رابطه متقابل مکتب و علم اقتصاد اسلامی.....
۶۶	۵. امکان و شرایط تحقق علم اقتصاد اسلامی.....
۶۹	۶. رویکردهای اثباتی و هنجاری در اقتصاد اسلامی.....
۷۰	۷. ماهیت قوانین و سنن الهی در اقتصاد اسلامی.....

۷۱	۸. ابزار و منابع شناخت در اقتصاد اسلامی.....
۷۲	الف. منابع اجتهاد.....
۷۳	ب. جایگاه عقل و نقل در اقتصاد اسلامی.....
۷۴	۹. ملاک اعتبار معرفت اقتصاد اسلامی.....
۷۴	الف. واقع‌گرایی در اقتصاد اسلامی.....
۷۵	ب. ملاک توجیه نظریات اقتصاد اسلامی.....
۷۷	ج. ملاک اسلامی‌بودن نظریات اقتصاد اسلامی.....
۷۹	۱۰. نتیجه‌گیری.....
۸۱	پرسش‌های فصل.....
۸۱	منابعی برای مطالعه بیشتر.....

فصل ۴: مبانی هستی‌شناختی اقتصاد

۸۴	۱. مقدمه.....
۸۴	۲. چیستی و قلمرو مبانی هستی‌شناختی اقتصاد.....
۸۶	۳. از هستی‌شناسی دئیستی تا هستی‌شناسی تکاملی.....
۸۷	الف. الهیات دئیستی.....
۸۸	ب. طبیعت‌گرایی.....
۸۹	ج. رویکرد تکاملی.....
۹۰	۴. پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی اقتصاد متعارف.....
۹۱	الف. خودمختاری فردی (فردگرایی اتم‌وار).....
۹۳	ب. عقلانیت اقتصادی.....
۹۴	ج. نظم خودجوش بازار.....
۹۶	۵. نظریه انتخاب عقلایی و نقدهای آن.....
۹۶	الف. بعد توصیفی و هنجاری عقلانیت اقتصادی.....
۹۸	ب. برداشت‌های مختلف از انتخاب عقلایی.....
۹۸	سازگاری درونی.....
۱۰۰	بیشینه‌سازی نفع شخصی.....
۱۰۰	بیشینه‌سازی ترجیحات.....
۱۰۱	ج. شرایط سه‌گانه انتخاب عقلایی.....
۱۰۳	د. نقدهای نظریه انتخاب عقلایی متعارف.....
۱۰۵	۶. تأثیرپذیری انتخاب از نهادها.....
۱۰۵	الف. نظریه عقلانیت محدود.....
۱۰۷	ب. نظریه ساختارگرایی.....
۱۰۸	ج. نظریه هنجارهای اجتماعی.....
۱۰۹	۷. علیت و گرایش‌های علی در اقتصاد.....

۱۱۲	نتیجه‌گیری
۱۱۳	پرسش‌های فصل
۱۱۳	منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل ۵: مبانی هستی‌شناختی اقتصاد اسلامی

۱۱۵	مقدمه
۱۱۶	از طبیعت‌گرایی تا هستی‌شناسی توحیدی
۱۱۷	پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی اقتصاد اسلامی
۱۱۷	الف. تعامل فردگرایی و کل‌گرایی
۱۱۹	ب. عقلانیت تکامل‌یافته
۱۲۰	ج. سازوکار اخلاقی مکمل سازوکار بازار
۱۲۱	۴. نظریه انتخاب عقلایی در اقتصاد اسلامی
۱۲۱	الف. نظریه‌های مطلوبیت‌گرایانه انتخاب عقلایی اسلامی
۱۲۴	ب. نظریه‌های انتخاب عقلایی اسلامی غیرمطلوبیت‌گرایانه
۱۲۷	۵. تحلیل نظریه‌های انتخاب عقلایی اسلامی
۱۲۹	الف. ترجیحات انسان اقتصادی
۱۳۱	ب. انسان اقتصادی مسلمان
۱۳۳	۶. سنت‌ها و سازوکارهای اقتصادی و فرااقتصادی
۱۳۳	الف. هدایت تکوینی و تشریحی
۱۳۴	ب. سنت‌ها و قوانین اقتصادی
۱۳۵	ج. قانونمندی‌ها و سازوکارهای اخلاقی
۱۳۶	۷. نتیجه‌گیری
۱۳۷	پرسش‌های فصل
۱۳۸	منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل ۶: مبانی ارزش‌شناختی اقتصاد

۱۳۹	مقدمه
۱۴۰	۲. مفهوم و قلمرو مبانی ارزش‌شناختی اقتصاد
۱۴۱	۳. رابطه اخلاق و اقتصاد
۱۴۲	الف. از رابطه نهاد اخلاق و اقتصاد تا تعامل دانش اخلاق و اقتصاد
۱۴۴	ب. زمینه‌های مطالعاتی اخلاق و اقتصاد
۱۴۴	اول. اخلاق تحلیلی اقتصادی
۱۴۵	دوم. اخلاق هنجاری اقتصادی
۱۴۷	سوم. اخلاق کاربردی اقتصادی و حرفه‌ای
۱۴۹	چهارم. اخلاق توصیفی اقتصادی

۱۵۰	۴. مفهوم‌شناسی ارزش و سنخ‌شناسی کاربردهای آن در اقتصاد
۱۵۴	۵. کانال‌های ورود ارزش در نظریات اقتصادی
۱۵۷	۶. مفاهیم پایه ارزشی در اقتصاد
۱۵۹	الف. رفاه
۱۶۰	ب. کارایی
۱۶۳	ج. آزادی
۱۶۴	د. عدالت و برابری
۱۶۶	۷. ارزش‌های نهفته در نظریه عرضه و تقاضا
۱۶۶	۱. عقلانیت اقتصادی به‌مثابه یک فرض ارزشی
۱۶۹	۲. تقابل خودگرایی و دیگرگرایی
۱۷۱	۳. تاکید بر دست نامرئی بازار و غفلت از دست نامرئی اخلاق
۱۷۲	۸. ارزش‌های نهفته در نظریه بازار رقابت کامل (آزادی، کارایی، عدالت)
۱۷۷	۹. ارزش‌های نهفته در اقتصاد رفاه
۱۸۰	مطلوبیت‌گرایی به‌مثابه مکتب اخلاقی اقتصاد رفاه
۱۸۳	خودگرایی و دیگرگرایی در اقتصاد رفاه
۱۸۴	اصل حداقل خیرخواهی
۱۸۴	مفهوم کارایی در اقتصاد رفاه
۱۸۵	مفهوم عدالت در اقتصاد رفاه
۱۸۷	ارزش آزادی در اقتصاد رفاه
۱۸۸	ارتباط بازار رقابت کامل و کارایی
۱۸۹	گسترش ارزش‌دآوری‌های اقتصاد رفاه در دیگر مطالعات اقتصادی
۱۹۰	از تحلیل مهندسی تا تحلیل ارزشی در سیاست‌گذاری اقتصادی
۱۹۲	رتبه‌بندی اهداف اقتصادی
۱۹۳	۱۰. ارزش‌های نهفته در اقتصاد توسعه
۱۹۹	۱۱. رفتارهای خیرخواهانه
۲۰۱	۱۲. نتیجه‌گیری
۲۰۳	پرسش‌های فصل
۲۰۴	منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل ۷: مبانی ارزش‌شناختی اقتصاد اسلامی

۲۰۵	۱. مقدمه
۲۰۶	۲. کارکرد اخلاق در اقتصاد اسلامی
۲۰۸	۳. رابطه اخلاق و اقتصاد اسلامی
۲۱۱	۴. زمینه‌های مطالعاتی اخلاق و اقتصاد اسلامی، از اخلاق هنجاری تا اخلاق حرفه‌ای و کاربردی
۲۱۲	۵. مفهوم‌شناسی ارزش در اقتصاد اسلامی

۲۱۴	الف. ارزش حقیقی و غیرحقیقی
۲۱۸	ب. سلسله‌مراتب ارزش
۲۱۹	ج. عدم نسبیت ارزش‌ها
۲۲۱	۶. ارزش‌های محوری در اقتصاد اسلامی
۲۲۱	الف. حیات طیبه
۲۲۲	ب. رفاه
۲۲۲	ج. کارایی
۲۲۳	د. آزادی
۲۲۵	ه. عدالت و برابری
۲۲۷	و. ارزش انسان و طبیعت
۲۲۸	۷. ورود ارزش‌ها در علم اقتصاد اسلامی
۲۲۸	الف. از عقلانیت ناقص تا عقلانیت تکامل یافته
۲۳۰	ب. رابطه اخلاق و عقلانیت در اقتصاد اسلامی
۲۳۱	۸. ورود ارزش‌ها در سیاست‌گذاری اقتصادی
۲۳۱	الف. مکتب اخلاقی اسلام و ملاک ارزش‌دآوری در سیاست‌گذاری‌ها در اقتصاد اسلامی
۲۳۵	ب. رتبه‌بندی اهداف اقتصادی
۲۳۷	۹. ورود نظام‌مند ارزش‌ها در اقتصاد اسلامی
۲۳۹	۱۰. نتیجه‌گیری
۲۴۱	پرسش‌های فصل
۲۴۲	منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل ۸: روش‌شناسی اقتصاد

۲۴۳	۱. مقدمه
۲۴۴	۲. چیستی روش‌شناسی اقتصاد و قلمروهای مطالعاتی آن
۲۴۸	رابطه روش‌شناسی و مبانی فلسفی اقتصاد
۲۴۹	۳. سیر تحول مکاتب روشی در اقتصاد
۲۵۰	الف. اثبات‌گرایی
۲۵۱	ب. تأییدگرایی
۲۵۳	ج. ابطال‌گرایی
۲۵۵	د. پارادایم‌گرایی
۲۶۲	ه. کارکردگرایی
۲۶۳	و. خطابه‌گرایی
۲۶۶	۴. مفهوم نظریه و مدل در اقتصاد
۲۷۱	۵. روش‌های استدلال در اقتصاد
۲۷۳	الف. روش قیاس

۲۷۵	ب. روش استقرا.....
۲۷۷	ج. روش فرضیه‌ای - قیاسی.....
۲۷۹	د. روش پس‌کاوی.....
۲۸۱	ه. روش تمثیل (خطابی).....
۲۸۲	از پلورالیسم روشی تا ضد روش در اقتصاد.....
۲۸۳	۶. تکنیک‌های نظریه‌پردازی در اقتصاد.....
۲۸۳	الف. کارکرد فروض در نظریه.....
۲۸۴	ب. ایزوله کردن و بازتعریف مجدد متغیرها.....
۲۸۵	ج. نقش فرمالیسم و ریاضیات در نظریه‌پردازی در اقتصاد.....
۲۸۷	۷. مشکلات روشی در آزمون نظریات اقتصادی.....
۲۸۹	۸. نتیجه‌گیری.....
۲۹۱	پرسش‌های فصل.....
۲۹۱	منابعی برای مطالعه بیشتر.....

فصل ۹: روش‌شناسی اقتصاد اسلامی

۲۹۳	۱. مقدمه.....
۲۹۴	۲. چپستی روش‌شناسی اقتصاد اسلامی.....
۲۹۵	۳. دانش اصول فقه و روش استنباط.....
۲۹۸	۴. روش‌های نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی.....
۳۰۰	الف. روش استنباطی.....
۳۰۰	ب. روش کشفی.....
۳۰۱	ج. روش تأسیسی.....
۳۰۳	د. روش قیاسی.....
۳۰۴	ه. روش استقرایی.....
۳۰۶	و. روش فرضیه‌ای - قیاسی.....
۳۰۶	ز. روش پس‌کاوی.....
۳۰۶	۵. تمایز روش‌شناسی مکتب و علم اقتصاد اسلامی.....
۳۰۷	۶. روش‌شناسی مکتب اقتصادی اسلام.....
۳۰۷	الف. روش استنباط مستقیم.....
۳۰۷	ب. روش کشفی شهید صدر (کشف غیرمستقیم).....
۳۰۸	چگونگی روش کشفی.....
۳۱۰	حجیت روش کشفی.....
۳۱۰	الف. عدم نیاز به حجیت.....
۳۱۱	ب. ظهور مجموعی احکام در قالب نظریه.....
۳۱۱	ج. حجیت نظریات بر مبنای انسداد باب علم.....

۳۱۲ د. حجیت براساس منطق استقراء
۳۱۳ ه. دلالت التزامی احکام بر نظریات
۳۱۳ منطقه الفراغ مکتب اقتصادی و روش نظریه‌پردازی در آن
۳۱۵ مخاطرات روش کشفی
۳۱۶ ج. روش کشف مستقیم
۳۱۷ روش طبقه‌بندی نصوص اقتصادی و تحلیل عقلی آنها
۳۱۷ روش کشفی سه‌گانه
۳۱۸ حجیت روش کشف مستقیم
۳۱۹ ۷. روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی
۳۱۹ الف. روش استقرایی
۳۲۰ ب. روش قیاسی
۳۲۱ ج. روش فرضیه‌ای - قیاسی
۳۲۲ ۸. تکنیک‌های نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی
۳۲۲ الف. جایگاه و کارکرد فروض در نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی
۳۲۴ ب. جایگاه مدل‌سازی در روش‌شناسی اقتصاد اسلامی
۳۲۵ د. جایگاه ریاضیات در اقتصاد اسلامی
۳۲۶ ۹. اعتبارسنجی نظریات علمی اقتصاد اسلامی
۳۲۹ ۱۰. جایگاه تجربه در اعتبارسنجی نظریات اقتصاد اسلامی
۳۳۱ ۱۱. نتیجه‌گیری
۳۳۲ پرسش‌های فصل
۳۳۲ منابعی برای مطالعه بیشتر
۳۳۳ منابع
۳۵۱ نمایه اصطلاحات

مقدمه مجری

دانش اقتصاد همواره تحت تأثیر مکاتب فلسفی و روش‌شناسی قرار داشته است. هرچند اقتصاددانان در خلال نوشته‌های خود به مباحث فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد پرداخته‌اند؛ حوزه مطالعاتی «فلسفه اقتصاد» در دهه‌های اخیر بسط و گسترش یافته است. این مطالعات حاوی تحلیل فلسفی و تاریخی نظریات اقتصادی با نگاهی درجه دوم است. فیلسوفان اقتصاد با بحث از مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد سعی در بهبود درک اقتصاددانان از مشکلات پیش‌روی نظریه‌پردازی در دانش اقتصاد دارند. دغدغه فیلسوفان اقتصادی این است که دلایل کامیابی یا ناکامی اقتصاددانان در تبیین و پیش‌بینی واقعیت‌های اقتصادی و ارائه سیاست برای حل مشکلات اقتصادی را دریابند. از نگاه ایشان، ناتوانی اقتصاددانان در تبیین و پیش‌بینی دقیق مسائل و مشکلات اقتصادی و همچنین ارائه راه‌حل‌های مؤثر برای مواجهه با مشکلات اقتصادی تحت تأثیر انگاره‌های فلسفی و روشی حاکم بر نظریه‌پردازی در دانش اقتصاد قرار دارد. نتیجه بررسی‌های درجه دو و انتقادی فیلسوفان اقتصادی در قالب عناوینی همچون «فلسفه اقتصاد»، «روش‌شناسی اقتصاد» و همچنین «مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد» ارائه شده است.

کتاب پیش‌رو تلاش دارد تا با بیانی ساده و روان، مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد را تبیین کند. در این بررسی بین مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی تفکیک شده است. براساس دسته‌بندی ارائه شده در این کتاب، مباحث مرتبط با مبانی فلسفی اقتصاد در قالب سه دسته از مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی جای می‌گیرند. مبانی معرفت‌شناختی نظریات اقتصادی بیانگر برداشت نظریه‌پردازان اقتصادی از

هویت‌شناخت‌های معتبر در اقتصاد می‌باشد. مبانی هستی‌شناختی اقتصاد منعکس‌کننده‌ی لاین وجودی اقتصاددانان نسبت به وجودهای هستی (شامل خداوند، جهان و انسان) است. مبانی ارزش‌شناختی اقتصاد نیز نشان‌دهنده‌ی رویکرد ارزشی اقتصاددانان می‌باشد. روش‌شناسی اقتصاد نیز به بررسی روش تدوین و ارزیابی نظریات و مدل‌های اقتصادی می‌پردازد.

در این اثر رویکردی تطبیقی به مباحث فلسفه اقتصاد اسلامی و متعارف داریم. در این چارچوب، مباحث مرتبط با مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با توجه به تمایزات موجود هم در حوزه نگرش‌های فلسفی و هم تفاوت میان دو حوزه دانشی اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی، بسط یافته است. علیرغم استفاده از رویکرد مقایسه‌ای، مباحث مرتبط با مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد متعارف و اسلامی به تفکیک در قالب فصول مجزا بیان شده‌اند. در حالی که فصل اول کتاب به مباحث کلی در زمینه چیستی و کارکرد مبانی فلسفی اقتصاد اختصاص دارد، فصل دوم و سوم به ترتیب به تبیین مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی می‌پردازد. فصول چهارم و پنجم به ترتیب مبانی هستی‌شناختی اقتصاد متعارف و اسلامی را بررسی می‌کنند. در فصل ششم و هفتم مبانی ارزش‌شناختی اقتصاد متعارف و اسلامی بررسی شده است. بالأخره مباحث روش‌شناسی اقتصاد متعارف و اسلامی به ترتیب در فصول هشتم و نهم کتاب ارائه شده است.

این کتاب بر اساس سرفصل‌های مصوب وزارت علوم تحقیقات و فناوری برای درس «مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد» به عنوان درس عمومی دوره کارشناسی اقتصاد نگاشته شده است. هرچند کتاب برای دانشجویان کارشناسی اقتصاد نوشته شده، ولی مباحث آن قابل استفاده برای دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری اقتصاد و فلسفه اقتصاد اسلامی نیز می‌باشد. در تنظیم مطالب کتاب سعی شده مباحث با بیانی ساده و روان ارائه شود و کمتر از اصطلاحات پیچیده فلسفی استفاده شود. البته در پاره‌ای از موارد که چاره‌ای جز ورود به مباحث فلسفی نبوده، تلاش شده تا با تعریف روشن اصطلاحات فلسفی، زمینه فهم بهتر مباحث فراهم شود.

جا دارد نهایت تشکر خود را از تمامی کسانی که در تدوین این کتاب اثرگذار بودند، ابراز دارم. از آنجا که تدوین این اثر نتیجه دوره‌های مختلف تدریس دروس فلسفه اقتصاد در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله و سایر مراکز حوزوی و دانشگاهی بوده، مباحث این اثر از نکته‌سنجی‌های استادان همکار و همچنین دانش‌پژوهان دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد

و دکتری اقتصاد و فلسفه اقتصاد اسلامی تاثیر پذیرفته است. جا دارد از نکته‌سنجی‌های عالمانه حضرت آیت‌الله حسن‌آقا نظری که هم در نقش استاد و هم ارزیاب اثر به بهبود آن کمک کردند، تشکر کنم. همچنین لازم می‌دانم تشکر خود را از اعضای شورای علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، به‌ویژه حجج اسلام دکتر سیدرضا حسینی، دکتر علیرضا لشکری، دکتر محمدحسین کرمی، دکتر سیدعباس موسویان، دکتر محمد رضا یوسفی و همچنین مسئولان آن پژوهشگاه ابراز دارم. در این راستا از تلاش‌های جناب آقای سیدمحمد امام که با پیگیری‌های خود فرایند تدوین و عرضه را تسهیل کردند، نیز تشکر می‌کنم. بی‌شک هیچ اثری خالی از اشکال نیست؛ امیدوارم که خوانندگان محترم اثر با اهدای اشکالات کتاب به بهبود آن در ویرایش‌های بعدی کمک کنند.

فصل ۱

چیستی و کارکرد مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد

هدف کلی: این فصل درصدد بیان مفهوم و کارکرد مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد است. اهداف رفتاری: انتظار آن است که دانشجو پس از مطالعه این فصل بتواند توضیحی برای مطالب زیر داشته باشد:

- مفهوم مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد؛
 - تفکیک مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، و ارزش‌شناختی اقتصاد؛
 - تمایز مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد؛
 - کارکرد مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد.
- واژگان کلیدی: مبانی فلسفی اقتصاد، مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد، مبانی هستی‌شناختی اقتصاد، مبانی ارزش‌شناختی اقتصاد، روش‌شناسی اقتصاد.

۱. مقدمه

اندیشه‌های اقتصادی همواره تحت تأثیر دیدگاه‌ها و مبانی فلسفی قرار داشته‌اند. هرچند برخی اقتصاددانان و فلاسفه اقتصاد در میان مباحث خود به تجزیه و تحلیل ابعادی از اثرپذیری اقتصاد از فلسفه پرداخته‌اند، خودآگاهی عمده اقتصاددانان از تأثیرپذیری نظریاتشان از مبانی فلسفی و همچنین چگونگی بنای نظریات اقتصادی براساس مبانی فلسفی صحیح، زیاد نیست. تبیین مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد از جهات مختلفی اهمیت دارد: نخست، تبیین دقیق چگونگی اثرپذیری عقاید اقتصادی از اندیشه‌های فلسفی می‌تواند به فهم بهتر روند تغییر و تحول نظریه‌های اقتصادی کمک کند؛ دوم، فهم عمیق‌تر مبانی فلسفی اقتصاد باعث می‌شود

اقتصاددانان بتوانند با خودآگاهی بیشتری نسبت به تدوین و بهبود نظریات اقتصادی همت بگمارند. این کارکرد در مورد اقتصاد اسلامی اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا اقتصاددانان مسلمان تلاش می‌کنند تا نظریات اقتصاد اسلامی را براساس مبانی فلسفی اسلامی بنا نهند. در این فصل پس از تبیین چستی فلسفه اقتصاد و قلمروهای مطالعاتی آن به مفهوم‌شناسی مبانی فلسفی اقتصاد و تحلیل کارکرد مبانی فلسفی در نظریه‌پردازی در اقتصاد پرداخته می‌شود. در این راستا بین سه دسته اساسی مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی اقتصاد و کارکردهای سه‌گانه تولیدی، زمینه‌سازی و جهت‌دهندگی مبانی تفکیک می‌کنیم.

۲. مفاهیم

فلسفه اقتصاد رویکردی درجه دو و انتقادی نسبت به مطالعات اقتصادی دارد؛ درحالی‌که اقتصاددانان به بررسی رفتار اقتصادی انسان می‌پردازند (مطالعه درجه اول)، فیلسوفان اقتصاد به تجزیه و تحلیل عملکرد اقتصاددانان و چگونگی نظریه‌پردازی آنان می‌پردازند (مطالعه درجه دوم). این مطالعه درجه دوم، به چگونگی نظریه‌پردازی اقتصاددانان نگاهی تحلیلی و انتقادی دارد. فیلسوفان اقتصاد تلاش می‌کنند تا با بررسی روند نظریه‌پردازی در اقتصاد و یافتن مشکلات آن به بهبود آن کمک کنند.

از مطالعات درجه دوم در حوزه اقتصاد با واژه‌هایی چون «فلسفه در اقتصاد»^۱، «فلسفه اقتصادی»^۲، «فلسفه و اقتصاد»^۳ و «مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد»^۴ یاد می‌شود. در این کتاب اصطلاح اخیر بدین دلیل برگزیده شده است که مباحث بر چگونگی اثرپذیری اقتصاد از مبانی فلسفی و همچنین تجزیه و تحلیل روش تدوین و اعتبارسنجی نظریات اقتصادی متمرکز شود.^۵ هنگام بحث از مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد باید از مفاهیم مورد بحث از جمله مفهوم مبانی، انواع مبانی فلسفی اقتصاد و روش‌شناسی اقتصاد برداشت

1. Philosophy in Economics.

2. Economic Philosophy.

3. Philosophy and Economics.

4. Philosophical Foundations and Methodology of Economics.

۵. ر. ک: محمد جواد توکلی، «درآمدی بر چستی، قلمرو و چشم اندازهای فلسفه اقتصاد اسلامی»، معرفت اقتصادی، ۱۳۸۹، شماره ۳، ص ۶۵-۹۲.

چیستی و کارکرد مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد ۷

مشخصی داشت. این تحلیل به این دلیل مهم است که برداشت‌های متعددی از این واژگان ارائه می‌شود که پیگیری مباحث را دشوار می‌کند.^۱

الف. مفهوم مبانی

در پژوهش‌های اقتصادی، واژه مبانی اقتصاد به‌طور عمده در معانی زیر به‌کار می‌رود:

الف. کلیات اقتصاد: مبانی اقتصاد به مفهوم کلیات اقتصاد ناظر به مباحث اصلی اقتصاد همچون مباحث اقتصاد خرد، کلان و توسعه است.^۲ مبانی اقتصاد به معنای مباحث اساسی اقتصاد نیز برداشت مشابهی را مطرح می‌کند.^۳ این واژه در مواردی به‌عنوان جایگزین اصول علم اقتصاد^۴ نیز به‌کار می‌رود؛

ب. دلایل نظریه اقتصادی: گاه مبانی یک نظریه اقتصادی به دلایل آن نظریه اشاره دارد. برای نمونه، وقتی از مبانی نظریه حرمت ربا در بانکداری اسلامی سخن می‌گوییم، مقصود ما بیشتر این است که چه دلایلی بر حرام بودن ربا می‌توان ارائه کرد؛

ج. فروض و دیدگاه‌های پایه نظریات اقتصادی: مبانی به مفهوم پیش‌فرض‌های پایه‌ای نظریات اقتصادی حکایت از فروضی دارند که نظریه‌پردازی بدان وابسته است. برای نمونه، فرض عقلانیت اقتصادی، پیش‌فرض بسیاری از نظریات اقتصاد خرد است. تحلیلگران اقتصاد خرد بدون قبول این پیش‌فرض نمی‌توانند به تدوین نظریات خود بپردازند.

اصطلاح مبانی فلسفی اقتصاد به‌طور عمده در معنای فروض و دیدگاه‌های پایه فلسفی استفاده می‌شود. در این برداشت، مبانی به فروض، و دیدگاه‌های پایه‌ای اشاره دارد که نظریات اقتصادی بر آن بنا می‌شود. این فروض یا دیدگاه‌ها به این دلیل مبنا نامیده می‌شوند که کارکردی بنیادین در تدوین نظریات اقتصادی دارند. فلسفی بودن این مبانی را می‌توان به منشأ انتزاع آن، یعنی فلسفه، برگرداند. براین اساس، مبانی فلسفی اقتصاد به دیدگاه‌های برگرفته از مطالعات فلسفی اطلاق می‌شود که نظریات اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این برداشت،

1. Daniel Little, «Philosophy of Economics», in: *Routledge Encyclopedia of the Philosophy of Social Science*, p.225

۲. رک: گریگوری منکیو، مبانی اقتصاد؛ محمد نوفرستی، مبانی اقتصاد خرد با نگرشی به اقتصاد ایران؛ مسعود نیلی، مبانی اقتصاد.

۳. جمعی از نویسندگان، مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۳.

4. Principles of economics.

فلسفه به مفهوم خاص آن شامل مباحث فلسفه اولی (بحث از وجود بما هو وجود یا هستی‌شناسی)، منطق، معرفت‌شناسی و اخلاق می‌شود.^۱ در رویکرد اسلامی، فلسفه شامل حکمت نظری و عملی است که به دنبال آگاهی از حقایق اشیاء به منظور شناخت خیر و کمال نفس (هدف حکمت نظری) و چگونگی دستیابی به آن (هدف حکمت عملی) است.^۲ باید توجه کرد که یک مبنای فلسفی ممکن است در رشته‌ای غیر از فلسفه بسط یافته باشد. برای نمونه، دیدگاه داروین در مورد تکامل انواع هرچند دیدگاهی زیست‌شناختی است و به همین دلیل باید از آن با عنوان مبانی زیست‌شناختی دانشی همچون اقتصاد یاد کرد؛ ولی این نظریه اساساً دیدگاهی هستی‌شناختی یا آنتولوژیک است که در مورد روابط میان وجودها در عالم مادی ابراز شده است. این دیدگاه متضمن تحلیلی از شیوه شکل‌گیری و تکامل وجودها و ساختار علی آن می‌باشد.

ب. مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد

در میان مبانی فلسفی اقتصاد مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مبانی یادشده نشان از انگاره‌های اقتصاددانان در مورد هویت شناخت‌های معتبر در اقتصاد است. مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد بیان‌کننده رویکردهای معرفت‌شناسانه اقتصاددانان در مورد ماهیت، منابع، و شرایط شناخت اقتصادی است. برای نمونه، یکی از رویکردهای معرفت‌شناختی رایج در اقتصاد تفکیک میان اقتصاد اثباتی و هنجاری است. چنین تفکیکی باعث می‌شود که فضای مطالعاتی اقتصاد جهت‌گیری خاصی پیدا کند.

ج. مبانی هستی‌شناختی اقتصاد

مبانی هستی‌شناختی اقتصاد نشان از برداشت‌ها و تحلیل‌های هستی‌شناسانه یا وجودشناسانه در دانش اقتصاد است. مبانی یادشده منعکس‌کننده نگاه اقتصاددانان به هستی مشتمل بر موجودات (خداوند، انسان، دنیا و آخرت)، سازوکارها و علل است. برداشت اقتصاددانان از انسان مورد

۱. گروهی از نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ج ۲، ص ۲۲-۲۴.

۲. محمد خوانساری، «تعریف فلسفه از نظر حکمای اسلامی»، رشد آموزش معارف اسلامی، ۱۳۶۷، شماره ۲، ص ۴۴-۴۵.

مطالعه یکی از مبانی هستی‌شناختی عمده دانش اقتصاد است. آنان برداشتی انتزاعی از انسان دارند و او را به‌عنوان انسان اقتصادی معرفی می‌کنند. اقتصاددانان برداشت‌های هستی‌شناختی نیز نسبت به جهان دارند. نظم خودجوش بازار یا دست‌نمائی بازار لنز وجودی غالب اقتصاددانان را منعکس می‌کند.

د. مبانی ارزش‌شناختی اقتصاد

هرچند اقتصاددانان غالباً تلاش می‌کنند تا اقتصاد را به‌عنوان دانشی ارزش‌خنثی و به‌عنوان یک علم فاقد ارزش داوری معرفی کنند، نظریات اقتصادی عاری از ارزش‌داوری نیستند. مبانی ارزش‌شناختی اقتصاد نشان از انگاره‌های اقتصاددانان نسبت به مقولاتی همچون ماهیت ارزش، و سلسله‌مراتب ارزش‌ها می‌باشد. برای نمونه، رویکرد ارزشی مطلوبیت‌گرایی یکی از مبانی ارزش‌شناختی اقتصاد رفاه است. این مبنا تحلیل‌های اقتصاد رفاه را جهت داده و زمینه‌ساز ارائه مفاهیمی همچون بهینه‌پرتو و اصول سیاستی همچون هزینه-فایده شده است.

ه. روش‌شناسی اقتصاد

برخی روش‌شناسی را جزئی از معرفت‌شناسی قلمداد می‌کنند. گروهی نیز معرفت‌شناسی را بخشی از روش‌شناسی می‌دانند. در مقابل، فیلسوفانی چون کوهن و ناگل، معرفت‌شناسی را دانشی مستقل از روش‌شناسی و منطق قلمداد می‌کنند.^۱ در این کتاب بین مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد تفکیک می‌کنیم. مبانی فلسفی اقتصاد ناظر به دیدگاه‌های پایه نظریات اقتصادی نسبت به معرفت، هستی و ارزش است. روش‌شناسی اقتصاد نیز به بررسی و ارزیابی شیوه تدوین و ارزیابی نظریات اقتصادی با توجه به مبانی فلسفی مربوطه می‌پردازد. در زمینه شیوه تدوین و ارزیابی نظریات اقتصادی مباحثی در مورد تمایز روش‌های قیاسی و استقرایی در نظریه‌پردازی در اقتصاد مطرح می‌شود. مسئله‌میل یکی از مسائل عمده در روش‌شناسی اقتصاد است که ناظر به مشکل روش استقراء در تولید قوانین عام و جهان‌شمول اقتصادی است.

۱. سیدمهدی زریباف، تحلیلی بر سیر شناخت و روش‌شناسی علم اقتصاد، ص ۱۰۷.

و. تمایز مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد

دسته‌بندی‌های متفاوتی از قلمروهای مطالعاتی فلسفه اقتصاد و همچنین انواع مبانی فلسفی اقتصاد ارائه شده است. دانیل هاسمن (۲۰۰۸)، مطالعات فلسفه اقتصاد را مشتمل بر سه زمینه مطالعاتی الف. انتخاب عقلایی، ب. ارزیابی نتایج، نهادها و فرآیندهای اقتصادی؛ و ج. هستی‌شناسی پدیده‌های اقتصادی و روش‌شناسی می‌داند.^۱ اشمیتز (۲۰۰۵) در تعیین قلمرو فلسفه اقتصاد، به مطالعات اقتصاد و فلسفه اخلاق، بررسی‌های ارزش‌شناختی و بررسی‌های روش‌شناختی در اقتصاد اشاره می‌کند. اوسکالی مکی (۲۰۰۲) زمینه‌های مطالعاتی فلسفه اقتصاد را در سه زمینه بررسی مدل‌های اقتصادی،^۲ هستی‌شناسی اقتصاد^۳ و تحلیل نهادها^۴ اقتصادی دسته‌بندی می‌کند.^۵ دانیل هاسمن (۱۹۹۴)، به‌طور عمده بر روش‌شناسی اقتصاد به‌عنوان موضوع اساسی در فلسفه اقتصاد متمرکز می‌شود و به برخی از جنبه‌های معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و زبان‌شناسی اقتصاد^۶ نیز می‌پردازد.^۷ دانیل لیتل (۲۰۰۶) نیز مفهوم‌شناسی اقتصاد، معرفت‌شناسی اقتصاد، روش‌شناسی اقتصاد، بررسی‌های اخلاقی و ارزشی و مطالعات هستی‌شناسانه در زمینه نهادها^۸ و ساختارهای موثر بر فعالیت‌ها و تغییرات اقتصادی،^۹ از جمله چستی بازار و نهادها^{۱۰} جایگزین آن و نقش آنها در ارتقای کارایی، عدالت، رفاه، بهره‌وری و رشد را به‌عنوان مباحث مورد علاقه فیلسوفان اقتصادی به شمار آورده است.^{۱۰}

تامل در دسته‌بندی‌های فیلسوفان اقتصادی نشان از تمایز بین چهار حوزه مطالعاتی عمده در فلسفه اقتصاد در قالب مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی اقتصاد و همچنین روش‌شناسی اقتصاد است (جدول ۴). مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد نشان از دیدگاه و لنز شناختی اقتصاددانان دارد. مطالعات هستی‌شناسانه (وجودشناسانه) اقتصاد بیان‌کننده

1. Daniel Hausman, «Philosophy of Economics», in: *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, p.1 .
2. Economic Models
2. Economic Ontology
4. Institutions of Economics
5. Uskali Maki, «The dismal Queen of the Social Sciences», in: *Fact and Fiction in Economics; Models, Realism and Social Construction*, p.28.
6. The Rhetoric of Economics.
7. Daniel M. Hausman (ed.), *The Philosophy of Economics, An Anthology*, Ed. 2
8. Institutions
9. Structures
10. Ibid, P. 224.

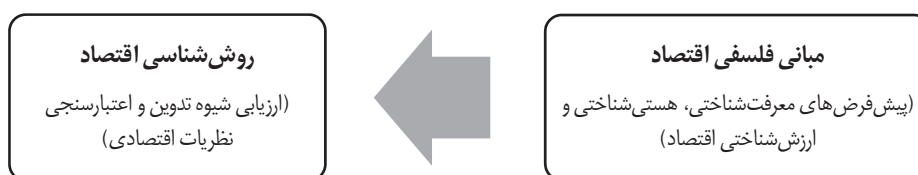
فروض وجودشناسانه اقتصاددانان در مورد انسان، جهان و خداوند است. مبانی ارزش‌شناختی اقتصاد نیز نشانگر پیش‌فرض‌های ارزشی نظریات اقتصادی است. و سرانجام، روش‌شناسی اقتصاد به بررسی روش تدوین و اعتبارسنجی نظریات اقتصادی می‌پردازد.

جدول ۱: قلمروهای مطالعاتی فلسفه اقتصاد

موضوع‌های مورد بحث	قلمرو مطالعاتی
امکان، منابع و ابزارهای کسب معرفت اقتصادی، هویت معرفت اقتصادی	مبانی معرفت‌شناسی اقتصاد
ماهیت وجودی نهادهای اقتصادی و اجتماعی، هویت عاملان اقتصادی، عقلانیت اقتصادی، علیت و توالی، سازوکارها	مبانی هستی‌شناختی اقتصاد
نقش ارزش‌های اخلاقی در اقتصاد، مبانی اخلاقی سیاست‌های اقتصادی	مبانی ارزش‌شناختی اقتصاد
ارزیابی روش‌های تدوین و اعتبارسنجی نظریه‌ها و مدل‌های اقتصادی	روش‌شناسی اقتصاد

تفکیک میان مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد به مفهوم گسستگی آن دو نیست؛ هنگامی که در معرفت‌شناسی اقتصاد از سنخ‌شناسی نظریات اقتصادی سخن به میان می‌آید، پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسانه اقتصاددانان می‌توانند مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهند.

شکل ۱: رابطه مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد



تفکیک میان مبانی فلسفی اقتصاد و همچنین روش‌شناسی اقتصاد نشان از تمایز میان رویکردهای تحلیلی متفاوت در هر یک دارد. هنگام بحث از مبانی معرفت‌شناختی، به نظریات اقتصادی نگاهی شناخت‌شناسانه داریم. در مباحث مرتبط با هستی‌شناسی اقتصاد نگاهی وجود‌شناختی به طرز تلقی اقتصاددانان نسبت به هستی داریم. مباحث مبانی ارزش‌شناختی

اقتصاد نیز بر تلقی اقتصاددانان نسبت به ارزش و چگونگی تأثیرپذیری نظریات اقتصادی از این رویکرد ارزشی توجه دارد. و سرانجام، روش‌شناسی اقتصاد توجه خود را به تحلیل و ارزیابی روش‌های تدوین و ارزیابی نظریات اقتصادی متمرکز می‌کند.

مباحث مبانی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی اقتصاد رابطه نزدیکی دارند. مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد ناظر به مباحث مرتبط با ماهیت نظریات اقتصادی است؛ اما روش‌شناسی اقتصاد، به بررسی روش تدوین و اعتبارسنجی نظریات اقتصادی می‌پردازد. در معرفت‌شناسی اقتصاد، ملاک شناخت معتبر در قالب بحث از واقع‌نمایی و توجیه نظریات اقتصادی مطرح می‌شود؛ روش‌شناسی اقتصاد بررسی می‌کند که چه روشی ما را به معرفت و شناخت معتبر می‌رساند؛ البته هنگامی که در روش‌شناسی از اعتبار روش‌ها بحث می‌شود، به‌صورت غیرمستقیم در مورد اعتبار معرفت نیز اظهار نظر می‌کنیم.^۱

مباحث روش‌شناسی اقتصاد با مباحث مبانی هستی‌شناسی اقتصاد نیز مرتبط است. بری هیندس ارتباط میان روش‌شناسی و هستی‌شناسی را از طریق مفاهیم هستی‌شناختی می‌داند که در تبیین وجودی موضوعات تحقیق در مباحث و دکترین‌های روش‌شناختی نقش فعال دارند. وی تمامی توصیه‌های روش‌شناختی را ناشی از هستی‌شناسی می‌داند.^۲

برخی پژوهشگران تفکیک‌های مشابهی بین مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، الهیاتی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی ارائه داده‌اند.^۳ تفکیک مشابهی نیز بین مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، الهیاتی-دین‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی علوم انسانی مطرح شده است.^۴ در تفکیک برگزیده این کتاب، مباحث مطرح شده در قالب مبانی الهیاتی-دین‌شناختی و انسان‌شناختی در چارچوب مبانی هستی‌شناختی مطرح می‌شوند که در پیچه نگاه و نگرش نظریه‌پردازان نسبت به وجودات عالم را منعکس می‌کنند.

۱. روش‌شناسی در مورد طریقه حصول معلومات علمی بحث می‌کند؛ درحالی‌که معرفت‌شناسی به ارزش‌گذاری معلومات به‌دست‌آمده براساس رابطه تمایزی یا تطابقی مفاهیم ذهنی و داده‌های عینی می‌پردازد (سیدمهدی زرییاف، تحلیلی بر سیر شناخت و روش‌شناسی علم اقتصاد، ص ۱۱۰).

2. Barry Hindess, *Philosophy and Methodology in the Social Sciences*, p.6

سیدمهدی زرییاف، تحلیلی بر سیر شناخت و روش‌شناسی علم اقتصاد، ص ۱۱۰.

۳. گروهی از نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ج ۲، ص ۸۷.

۴. احمدحسین شریفی، مبانی علوم انسانی اسلامی، ص ۲۷۵-۳۵۶.

۳. کارکردهای سه‌گانه مبانی فلسفی اقتصاد

برای تبیین کارکرد مبانی فلسفی در نظریات اقتصادی، تفکیک میان سه دسته از مبانی زمینه‌ساز، مولد و جهت‌دهنده ضروری است. مبانی زمینه‌ساز بستر لازم برای تولید نظریات اقتصادی را فراهم می‌آورند. مبانی مولد به عنوان گزاره واسطه در تولید نظریات اقتصادی نقش ایفا می‌کنند. مبانی جهت‌دهنده نیز بر محتوا یا روش نظریات اقتصادی اثر می‌گذارند.

شکل ۲: کارکردهای مبانی فلسفی در علوم انسانی اسلامی



الف. کارکرد زمینه‌سازی

مبانی زمینه‌ساز، فروضی می‌باشند که بدون پذیرش آنها نمی‌توان وارد فرآیند نظریه‌پردازی شد. به‌طور نمونه، اصل امتناع تناقض یک مبنای پایه است که بدون پذیرش آن نمی‌توان وارد فضای نظریه‌پردازی شد.^۱ این اصل به‌عنوان یکی از مقدمات قیاس در قضایای نظری قرار می‌گیرد.^۲

ب. کارکرد تولیدی

مبانی مولد، فروضی می‌باشند که به‌عنوان یکی از ارکان استدلال در تولید نظریه مشارکت می‌کنند. به‌طور نمونه، فرض عقلانیت اقتصادی، مولد بسیاری از استنتاج‌ها در نظریات اقتصاد خرد و کلان از جمله نظریات رفتار مصرف‌کننده و تولیدکننده است. اینکه مصرف‌کننده به افزایش قیمت واکنش منفی نشان می‌دهد، از فرض عقلایی عمل کردن او در نتیجه پیشینه‌سازی مطلوبیت در فضای کمیابی منابع استنتاج شده است.

۱. عبدالحسین خسروپناه، «نظریه‌پرداخت در فلسفه اسلامی»، ذهن، ۱۳۸۴، شماره ۲۴، ص ۶۵.

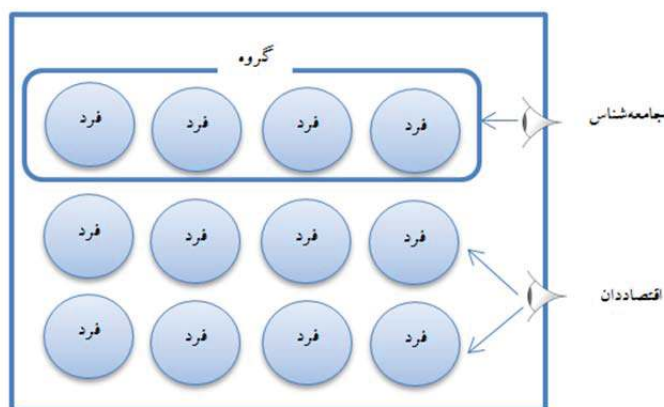
۲. همان، ص ۶۶.

مبانی مولد از جهت قدرت تولیدی متفاوت‌اند: برخی از مبانی فلسفی، همانند فرض عقلانیت اقتصادی، نقشی اساسی در تولید نظریه‌های اقتصادی دارند. در مقابل، برخی از فروض کارکرد تولیدی ضعیف‌تری دارند. به‌طور نمونه، هرچند فرض نزولی بودن مطلوبیت به‌عنوان یک فرض هستی‌شناختی تأثیر بسزایی در نظریه رفتار مصرف‌کننده دارد، این فرض به‌عنوان هسته مرکزی این نظریه به‌شمار نمی‌رود.

ج. کارکرد جهت‌دهندگی

مبانی جهت‌دهنده، جزئی از استدلال قرار نمی‌گیرند؛ ولی بر روند استدلال از نظر روشی یا محتوایی اثر می‌گذارند. این کارکرد مبانی با توجه به تلقی مبانی به‌عنوان دیدگاه‌ها،^۱ باورهای اساسی، لولاهای فکر و بستر جریان تفکر، تعهدات فلسفی،^۲ یا پنجره‌ها یا دریچه‌های نگاه به دنیا قابل طرح است. در این چارچوب، مبانی فلسفی، چارچوب نگاه محقق به جهان را تغییر می‌دهند.^۳

شکل ۳: تفاوت زاویه نگاه اقتصاددان و جامعه‌شناس



1. Vision.

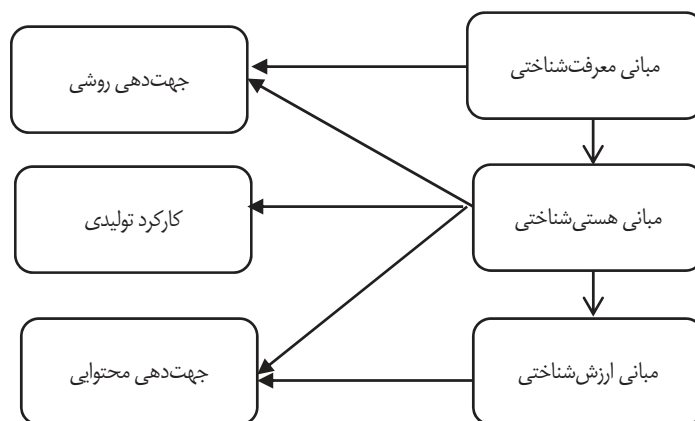
2. Ontological commitment.

3. Uskali Maki, «Economic Ontology: What? Why? How?», in: *The Economic World View; Studies in the Ontology of Economics*, p.4.

جهت‌دهندگی مبانی در دو قالب محتوایی و روشی ظهور می‌یابد. جهت‌دهندگی محتوایی به مفهوم تأثیر مبنا بر جهت‌گیری مطالعات اقتصادی است. به‌طورنمونه، پذیرش فرض اتمیسم در اقتصاد، نظریات و گزاره‌های مبتنی بر جمع‌گرایی را فیلتر می‌کند که در بسیاری از موارد در دانش جامعه‌شناسی ظاهر می‌شود و از دایره دانش اقتصاد متعارف بیرون می‌راند. درمقابل، جهت‌دهی روشی به این معناست که پذیرش یک مبنا مانند ابزارگرایی باعث می‌شود که نظریه‌پرداز دغدغه چندانی نسبت به واقعی بودن فروض نظریه نداشته باشد.

از میان مبانی فلسفی اقتصاد، مبانی معرفت‌شناختی به‌طورعمده نقش جهت‌دهندگی دارند و کانال نظریه‌پردازی را معین می‌کنند. به‌طورنمونه، پذیرش این ادعا که معرفت اقتصادی تنها شامل قوانین اقتصادی جهان‌شمول است، چگونگی تولید دانش اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بدون اینکه به‌عنوان گزاره مولد قوانین اقتصادی عمل کند. در مقابل، مبانی هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی افزون‌بر تعیین زاویه نگاه اقتصاددان به دنیای اقتصادی، خود به‌عنوان گزاره‌های مولد نیز در تولید دانش اقتصاد عمل می‌کنند. فرض عقلانیت اقتصادی چنین کارکردی در نظریات اقتصاد خرد دارد.

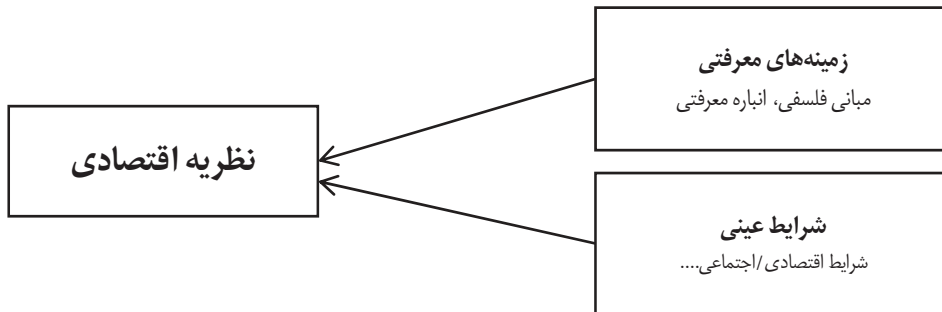
شکل ۴: کارکردهای مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی



ظهور و کارکرد مبانی فلسفی در هر یک از دو روش قیاس و استقرا یکسان نیست. در روش «قیاسی» مبانی فلسفی افزون‌بر جهت‌دهی، کارکرد تولیدی نیز دارند. درمقابل، در روش

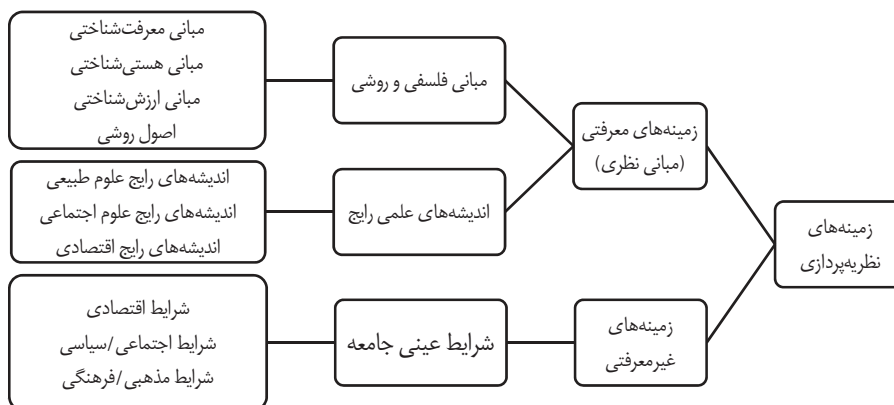
استقرایی، مبانی فلسفی به‌طور عمده کارکرد جهت‌دهندگی دارند و کارکرد تولیدی آن کم‌رنگ است. هرچند مبانی فلسفی در تولید نظریات اقتصادی موثرند، تمام بار تولید نظریه بر دوش مبانی آن نیست. نظریات اقتصادی از امور دیگری همچون شرایط عینی جامعه، قدرت تفکر نظریه‌پرداز و گستره مطالعات انجام شده نیز اثر می‌پذیرند.

شکل ۵: نقش عوامل معرفتی و غیر معرفتی در نظریه‌پردازی



این نکته نیز قابل توجه است که مبانی فلسفی بخشی از زمینه‌های معرفتی مؤثر بر نظریه اقتصادی را شکل می‌دهند. دیگر اندیشه‌های علمی نیز می‌توانند بر نظریه اقتصادی مؤثر باشند.

شکل ۶: عوامل معرفتی و غیر معرفتی اثرگذار بر نظریه



۴. مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی

تمایز مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد اسلامی از مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد متعارف ریشه در نگاه متفاوت اقتصاد اسلامی به معرفت، هستی، ارزش و روش دارد. همین امر باعث می‌شود که مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی اقتصاد اسلامی و همچنین روش‌شناسی آن متفاوت از مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد متعارف باشد. برای نمونه، هنگامی که اقتصاد اسلامی وحی را به‌عنوان یکی از منابع شناخت به رسمیت می‌شناسد، این مبنای معرفت‌شناختی جهت‌گیری تولید نظریات اقتصاد اسلامی را متمایز می‌کند. این رویکرد معرفت‌شناسانه اقتضائاتی برای روش‌شناسی اقتصاد اسلامی نیز دارد. براین اساس، بحث از روش استنباط از کتاب و سنت یکی از مباحث روش‌شناسی اقتصاد اسلامی خواهد بود؛ بحثی که در روش‌شناسی اقتصاد متعارف جایگاهی ندارد.

برخی پژوهشگران، مبانی فلسفی اسلامی را منشاء استخراج اهداف (غائی، میانی و عملیاتی) و به تبع اصول راهبردی متفاوتی برای نظام اقتصادی اسلام می‌دانند. در چارچوب این تحلیل، «اهداف نظام اقتصادی نتیجه مبانی فلسفی آن است»^۱. تفاوت در مبانی بینشی و هدف‌ها، موجب تفاوت در اصول راهبردی اقتصاد اسلامی برای ساماندهی به اقتصاد و حل مشکلات اقتصادی می‌شود.^۲ از این رو، نظام اقتصادی اسلام بر پایه اصول راهبردی همچون حاکمیت مصالح فرد و جامعه در حوزه اقتصاد، آزادی در کادر محدود، دولت مصالح، مالکیت مختلط، توزیع عادلانه ثروت و درآمد، تحریم ربا و رقابت و تعاون در خیرات استوار است.^۳

۵. نتیجه‌گیری

مبانی فلسفی یک نظریه اقتصادی دیدگاه‌های پایه‌ای و بنیادینی می‌باشند که روند تدوین نظریه را تحت تاثیر قرار می‌دهند. از این دیدگاه‌های پایه که رویکرد پذیرفته‌شده اقتصاددانان در مورد معرفت، هستی و ارزش را منعکس می‌کنند، به‌ترتیب، مبانی «معرفت‌شناختی»، «هستی‌شناختی» و «ارزش‌شناختی» اقتصاد یاد می‌شود. مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد بیان‌کننده پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی نظریات اقتصادی می‌باشند. مبانی هستی‌شناختی

۱. سیدحسین میرمعزی، نظام اقتصادی اسلام: اهداف و انگیزه‌ها، ص ۱۱.

۲. سیدحسین میرمعزی، نظام اقتصادی اسلام (مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق)، ص ۲۱۱.

۳. همان، ص ۵۴۰-۵۴۲.

اقتصاد بیان‌کننده تعهدات وجودشناختی نهفته در نظریات اقتصادی می‌باشند. سرانجام، مبانی ارزش‌شناختی اقتصاد مشتمل بر گزاره‌های حاکی از خوب و بد یا باید و نباید می‌باشند که رویکرد ارزشی نهفته در ورای نظریات اقتصادی را منعکس می‌کنند.

بحث از مبانی فلسفی نظریات اقتصادی، ما را از بررسی روش‌شناسی اقتصاد بی‌نیاز نمی‌کند. مطالعات روش‌شناسی اقتصاد به بررسی روش‌های تدوین و ارزیابی نظریات اقتصادی می‌پردازد. هرچند مباحث روش‌شناسی اقتصاد را می‌توان در ذیل بحث از مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد مطرح کرد، این دو مقوله از یکدیگر متمایزاند. دغدغه معرفت‌شناسی اقتصاد فهم ماهیت شناخت‌ها در دانش اقتصاد است. در مقابل، دغدغه اصلی روش‌شناس اقتصادی این است که با چه روشی می‌توان به شناخت معتبر و قابل اعتماد دست یافت.

در زمینه تأثیرگذاری مبانی فلسفی بر نظریات اقتصادی، می‌توان بین سه کارکرد زمینه‌سازی، تولیدی، جهت‌دهندگی (محتوایی و روشی) تفکیک کرد. مبانی زمینه‌ساز همانند اصل ممتنع بودن اجتماع نقیضین، زمینه ورود به نظریه‌پردازی را فراهم می‌آورند. مبانی مولد همانند پیش‌فرض عقلانیت اقتصادی نقشی اساسی در استنتاج در نظریه ایفا می‌کنند. مبانی جهت‌دهنده همانند ذره‌گرایی (اتمیسیم) با تغییر زاویه نگاه اقتصاددانان به هستی، باعث جهت‌دهی به محتوای نظریات و روش‌شناسی نظریه‌پردازی می‌شوند. این کارکردها در مورد هر یک از مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی اقتصاد یکسان نیست؛ البته تأکید بر نقش اساسی مبانی فلسفی اقتصاد در شکل‌گیری نظریات اقتصاد به معنای در نظر نگرفتن نقش دیگر عوامل موثر بر نظریه‌پردازی نیست. نظریات اقتصادی افزون بر مبانی فلسفی از زمینه‌های عینی نیز اثر می‌پذیرند.

در فصل‌های بعدی به تفصیل به بررسی هر یک از مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی اقتصاد خواهیم پرداخت. تدقیق مبانی یادشده زمینه بحث از روش‌شناسی اقتصاد را فراهم خواهد آورد. روش‌شناسی اقتصاد به‌عنوان خروجی مباحث فلسفه اقتصاد، به ارزیابی روش تدوین و اعتبارسنجی نظریات اقتصادی می‌پردازد. با توجه به تمایزات موجود میان مباحث فلسفه اقتصاد و فلسفه اقتصاد اسلامی، مباحث چهارگانه مبانی معرفت‌شناختی، مبانی هستی‌شناختی، مبانی ارزش‌شناختی و روش‌شناسی اقتصاد به تفکیک در فصول مختلف برای اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی بیان خواهد شد.